

آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی

عنوان پژوهش

بررسی مفهوم

«امر به معروف و نهی از منکر»

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۲

تاریخ: ۱۳۹۲/۹/۱۹



شناسنامه

عنوان:

**آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی
امر به معروف و نهی از منکر**

مؤلف:

مهدی رجایی

ناظر علمی:

علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۲۰۰۷۲

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۰۹/۱۹

مرکز تحقیقات شورای نگهبان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

مقدمه.....	۳
چکیده.....	۴
درآمد.....	۵
۱. مفهوم شناسی.....	۶
۱-۱ امر و نهی.....	۶
۲-۱ معروف و منکر.....	۶
۲. مفاهیم مشابه.....	۷
۲-۲ امر به معروف و دعوت به خیر.....	۷
۲-۲ امر به معروف و نظارت عمومی.....	۸
۳-۲ امر به معروف و نصیحت ائمه المسلمین.....	۹
۳. تاریخچه.....	۹
۳-۱ امر به معروف و نهی از منکر در فقه اهل سنت.....	۱۰
۳-۲ امر به معروف و نهی از منکر در جهان تشیع.....	۱۱
۴. مبانی فقهی - حقوقی امر به معروف و نهی از منکر.....	۱۲
۴-۱ مبانی فقهی.....	۱۲
۴-۱-۱ لزوم جلوگیری از معصیت.....	۱۲
۴-۱-۲ مسئولیت اجتماعی.....	۱۲
۴-۳ قاعده لطف.....	۱۳
۴-۴ حرمت اعانه بر اثم و تجاوز.....	۱۳

- ۲-۴ مبانی حقوقی..... ۱۴
- ۱-۲-۴ حق برآمده از انتخاب کارگزاران:..... ۱۴
- ۲-۲-۴ حق طبیعی بشر بر بهره مندی از محیط سالم زندگی..... ۱۴
- ۳-۲-۴ حفظ مصلحت جامعه..... ۱۵
- ۳-۴ مراحل امر به معروف و نهی از منکر..... ۱۵
- ۱-۳-۴ مرحله اول: امر به معروف و نهی از منکر قلبی..... ۱۶
- ۲-۳-۴ مرحله دوم: امر به معروف و نهی از منکر لسانی..... ۱۶
- ۳-۳-۴ مرحله سوم: امر به معروف و نهی از منکر عملی..... ۱۶
- ۴-۴ امر به معروف و نهی از منکر حق یا تکلیف..... ۱۷
- ۵-۴ امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی یا کفایی..... ۱۷
- ۶-۴ شرایط امر به معروف و نهی از منکر..... ۱۸
۵. امر به معروف و نهی از منکر در نظام حقوقی ایران..... ۱۹
- تحلیل و جمع بندی..... ۲۲
- منابعی جهت مطالعه بیشتر..... ۲۲
- منابع و مأخذ..... ۲۴

مقدمه

در تحقیق و تتبع پیرامون هر گرایش علمی، گام اول آشنایی با مفاهیم پایه‌ای آن علم است. حقوق عمومی به عنوان شاخه و گرایشی از علم حقوق از این قاعده مستثنی نیست و آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی درگاهی برای ورود و اظهارنظر در موضوعات مرتبط با آن می‌باشد.

از سوی دیگر تأسیس حکومتی بر مدار مختصات اوامر الهی نیازمند به نهادها و سازوکارهایی متناسب با آن است. بر این اساس نظام‌سازی اسلامی پس از تشکیل حکومتی بر مبنای اصول و احکام شریعت مقدس اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. حرکت در مسیر این امر مستلزم آشنایی با مفاهیم علمی، مطالعه مبانی و نقد و بررسی آنها بر اساس اندیشه ناب اسلامی است. در این میان مفاهیم حقوق عمومی به عنوان گرایش تخصصی رشته حقوق که به بررسی کلان موضوعات مرتبط با حوزه حکومت و حدود اختیار آن، روابط مردم با فرمانروایان و مباحث مشابه آن می‌پردازد از اهمیت والایی برخوردار است.

در همین راستا، موضوع بازخوانی مفاهیم حقوق عمومی در دستور کار دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی مرکز تحقیقات شورای نگهبان قرار گرفته است. هدف از این امر آشنایی با تعاریف مفاهیم، تاریخچه، اقسام و انواع، بررسی مبانی آن در حقوق موضوعه و مطالعه تطبیقی با مبانی اسلامی و بررسی موضوع در قوانین و سازوکارهای حقوقی نظام جمهوری اسلامی ایران و ارائه نقد و تحلیلی اجمالی از آن است تا به این واسطه گام نخست در عرصه نظام‌سازی اسلامی برداشته شود.

چکیده

امر به معروف و نهی از منکر نقطه عطف فقه سیاسی و حقوق عمومی است، زیرا از سویی ریشه در آموزه‌ها و تفکرات اسلامی دارد و از سویی دیگر، مولفه و وسیله‌ای برای عینیت بخشیدن به اهداف و آرمان‌های حقوق عمومی است. در همین راستا ابزارهایی که حقوق عمومی در اختیار این فریضه قرار می‌دهد، راهکارهایی برای قانونمند کردن و به چارچوب کشیدن آن در راستای نظام‌سازی اسلامی است.

این فریضه به عنوان یک راهبرد در فقه سیاسی همواره با چالش‌های جدی در حوزه مفهوم‌شناسی و عملیاتی مواجه بوده است، عدم قانونگذاری یکی از چالش‌هایی است که در جامعه حقوقی از آن یاد می‌شود. به نظر می‌رسد آنچه مانع احیاء این فریضه می‌شود عدم درک فرهنگی جامعه اسلامی از این فریضه و جایگاه والای آن در مقوله زمامداری است. بنابراین آنچه در درجه اول در نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی باید توسط حکومت اسلامی تحقق پذیرد، ایجاد شرایط و بسترهای مساعد در گستره آگاهی‌های اجتماعی، آزادی‌های عمومی و شفافیت در اعمال کارگزاران دولت است. این امور باید توسط قوانین موضوعه تسهیل‌کننده تحقق پذیرفته و تشکلی منسجم و واحد ضمن تجمیع مساعی تمام نهادهای مردمی و غیر مردمی فعال در این حوزه، رهبری این واجب الهی را بر عهده گیرد.

درآمد

فقه سیاسی و مولفه‌هایش، بنیان و اساس نظام سیاسی اسلام را تشکیل می‌دهد که یکی از سرشاخه‌ها و شاه‌بیت‌های آن، امر به معروف و نهی از منکر است. این فریضه از سویی نظارت بر قدرت زمامداران را در دست دارد و راهبرد استمرار مشارکت مردم در امر حاکمیت، که خود از آرمان‌های نظام اسلامی است را فراهم می‌آورد و از سویی دیگر تنظیم روابط متقابل حاکمیت با مردم و مردم با یکدیگر را برعهده دارد.

امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک راهبرد، ضمانت اجرا و مبنای بسیاری از مقولات حوزه فقه سیاسی را تشکیل می‌دهد. به علاوه، این فریضه در حوزه اجتماعی و اخلاقی نیز صاحب منزلت است، به گونه‌ای که اگر یکی از اهداف بعثت رسل را در حوزه عملیاتی، احیاء این فریضه بیان کنیم، سخن به گزاف نگفته‌ایم.

این وظیفه دارای چنان اهمیتی است که در بعضی آیات قرآن در کنار ایمان به خدا و معاد ذکر شده است.^(۱) همچنین امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌فرماید: «همه کارهای نیک و جهاد در راه خدا در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر، همچون دمیدنی (یا قطره‌ای) است بر دریای پر موج پهناور»^(۲) (سیدرضی؛ نهج البلاغه؛ ص ۵۴۲) این واجب الهی چنان دایره وسیعی دارد که امام حسین (علیه السلام) هدف اصلی خود از قیام علیه حکومت نامشروع یزید را امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرده، می‌فرماید: «می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و بر اساس روش جدم و پدرم عمل کنم».^(۳) (بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹)

۱. «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ يُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» «به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند» (آل عمران/ ۱۰۴)

۲. «وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَفَنَتْهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ»

۳. «أَرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُبِيرَ بِسِيرَةٍ جَدِّي وَ أَبِي»

۱. مفهوم شناسی

۱-۱ امر و نهی

برای واژه «امر» معانی متعددی ذکر کرده‌اند، ولی آنچه مورد تایید اهل لغت و فقها قرار گرفته است مطلق طلب است (آخوندخراسانی، ۱۴۲۵ق، ص ۸۱ و ۸۲) قریب به اتفاق اهل لغت واژه «نهی» را به آنچه مقابل امر است بیان کرده‌اند. (راغب، ۱۴۱۲ق، ص ۸۲۶) و در اصطلاح نهی، بیان داشته‌اند: «نهی نیز به صیغه و ماده‌اش دلالت بر طلب دارد مگر اینکه متعلق طلب در یکی وجود و در دیگری عدم است» (آخوند خراسانی، ۱۴۲۵ق، ص ۸۳)

۱-۲ معروف و منکر

«معروف» در لغت از ماده «عرف» به معنای شناخته شده است (ابن فارس؛ ۱۳۸۷ش؛ ص ۶۳۷) و «منکر» از ماده «نکر» به معنای ناشناخته و چیزی است که برای فرد غریب است. در اصطلاح فقهی عده‌ای «معروف» را به خیر و احسان تعریف کرده‌اند (عبدالمنعم، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۲۹۲) همچنین در مورد آن بیان شده است «معروف» چیزی است که موافق کتاب و سنت باشد و دلالت بر فعل حسنی کند (سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۴۹) فقها «منکر» را به هر چیزی که عقلاً قبیح و یا شرعاً حرام باشد، بیان کرده‌اند. (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۳)

به نظر می‌رسد غالب فقها امر به معروف را امر به آنچه به وسیله شرع و عقل به عنوان حسن ادراک می‌شود، بیان داشته‌اند. هر چند شاید عبارت پردازی‌ها تا حدی متفاوت باشد ولی جان مایه همگی را می‌توان همین معنا دانست.^(۱) (امام خمینی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۲۸۷) بنابراین در تعریف این فریضه چنین جمع بین اقوال کرده‌اند: امر به معروف و نهی از منکر: واداشتن به نیکی و بازداشتن از بدی است. مراد فقها از

۱. فاضل مقداد؛ کنز العرفان؛ ج ۱، ص ۴۷۱؛ عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)؛ الروضة البهیة؛ ج ۲، ص ۴۰۹؛ امام خمینی؛ تحریر الوسیلة؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۲، ص ۲۸۷.

امر و نهی، مطلق بر انگیختن کسی بر انجام یا ترک چیزی است؛ خواه به گفتار یا کردار. و مراد از معروف و منکر، هر کار پسندیده و ناپسند از نظر عقل و شرع است؛ اعم از واجب، مستحب، حرام و مکروه. (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۶۶۰)

البته باید این توجه را داشت که حوزه مطالعاتی علم حقوق، ناظر بر بایدها و نبایدها (الزامات) می باشد، لذا تنها شامل امر به معروف و نهی از منکر واجب و حرام می شود. زیرا نمی توان امر به یک عملی که خود مقوله ای مستحب است را امری الزامی دانست. با وجود این امکان طرح آن نسبت به مستحبات یا مکروهات در حوزه مباحث مربوط به حقوق شهروندی وجود خواهد داشت.

۲. مفاهیم مشابه

۲-۱ امر به معروف و دعوت به خیر

برای «خیر» در لغت معانی زیادی ذکر شده است ولی آنچه مورد اتفاق است، «خیر» به معنای میل (ابن فارس، ۱۳۸۷ش، خیر) و هر چیز مرغوب و مورد پسند است (راغب، ۱۴۱۲ق، خیر) در اصطلاح نیز «خیر» را برابر با «معروف» دانسته اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۷۳) میان «دعوت به خیر» و «امر به معروف و نهی از منکر» شباهت های فراوانی در نگاه اول مشاهده می شود؛ ولی باید توجه داشت که این دو فریضه با یکدیگر دارای تفاوت هایی نیز می باشند. یکی از مهم ترین آنها همانا در شیوه عملیاتی کردن آن دو است، به گونه ای که دعوت به خیر، لسانی و توأم با نرمی و آرامش و فاقد هرگونه امر و نهی است، حتی در انتقادات سازنده و پیشنهادات اصلاح گرایانه، این در حالی است که در امر به معروف و نهی از منکر امر و نهی مطرح است هر چند این دو نیز همراه با آرامش و قول لین باشد (دروزه، ۱۳۸۳ق، ج ۲، ص ۱۵۳) به عبارت دیگر دعوت به خیر ماهیتی تعلیمی دارد ولی امر به معروف دارای ماهیتی امری و الزامی است که پس از مرحله دعوت به خیر است (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۵،

ص ۳۱۹) از سوی دیگر دعوت به خیر ماهیتی ایجابی دارد و این در حالی است که امر به معروف و نهی از منکر دارای ماهیتی ایجابی و سلبی است.

۲-۲ امر به معروف و نظارت عمومی

برخی از اندیشوران نظارت عمومی را جامع‌تر از امر به معروف و نهی از منکر دانسته و آن را مشتمل بر چهار مرحله بیان کرده‌اند: ۱. تعلیم و تعلم، ۲. دعوت به حق و خیر و ارشاد، ۳. خیرخواهی و دلسوزی که از آن به «نصح» تعبیر شده است. ۴. امر به معروف و نهی از منکر. ایشان می‌فرمایند: طبیعت امر به معروف و نهی از منکر با معنی تعلیم و ارشاد و نصح، متفاوت و به گونه‌ای است که متلازم با عمل و تحقق معروف و ریشه کن شدن منکر است و به همین دلیل این مرحله پس از انجام مراحل سه گانه انجام می‌شود و قبل از اقدام به این مراحل توسل به این فریضه نادرست است (عمیدزنجانی، ۱۴۲۱ق، ج ۱، ص ۲۳۷ و ۲۳۸)

در تحلیل موضوع نظارت عمومی می‌توان گفت: اگر قائل به این مسئله شویم که سه مرحله مقدماتی، موضوع تکلیف مسلمانان قرار نگرفته است و ترک آن نیز مستوجب عقاب مضاعف نیست؛ به این معنا است که مراحل سه گانه قبلی مستقیماً مورد حکم شارع مقدس قرار نگرفته و اگر مسلمانی به خاطر ترک تعلیم و تعلم و... مورد بازخواست قرار گیرد از باب وظیفه‌ای است که به عنوان امر به معروف و نهی از منکر بر عهده داشته است و گویا این سه مرحله به عنوان مقدمات امر به معروف و نهی از منکر لحاظ شده‌اند که در این صورت امر به معروف و نهی از منکر بخشی از نظارت عمومی نیست، بلکه تمام آن است. بنابراین می‌توان امر به معروف را به این معنا، امر به معروف به معنای عام نامید، که همان نظارت عمومی است. اما اگر از معنای امر به معروف معنای خاص را اراده کنیم - به این معنا که امر به معروف و نهی از منکر مرحله چهارم نظارت عمومی است - آنگاه آن جزئی از نظارت عمومی خواهد بود.

۲-۳ امر به معروف و نصیحت ائمه المسلمین

نصیحت، خیرخواهی است، یعنی هر گفتار یا عملی که در آن خیر منصوص، منظور شده باشد (قریشی، ۱۳۷۱، ذیل واژه نصح) نصیحت ائمه المسلمین از ابعاد مختلفی با امر به معروف و نهی از منکر متفاوت است. تفاوت اول را می‌توان در ماهیت این دو یافت به گونه‌ای که امر به معروف همراه با لزوم و الزام است در حالی که نصیحت تنها خیرخواهی است و لزومی بر عمل طبق نصیحت ناصح وجود ندارد. علاوه بر این قوام نصیحت، به انگیزه‌های خیرخواهانه آن است، و همین انگیزه‌های مثبت، به نصیحت ارزش و قداست می‌بخشد، در واژه‌های دیگری مثل «انتقاد» و حتی «امر به معروف و نهی از منکر»، انگیزه‌ها و نیت‌ها، چندان دخالتی ندارند (امام خمینی، بی‌تا، ص ۴۷۱) از سوی دیگر شرایطی که در وجوب امر به معروف و نهی از منکر معتبر دانسته شده است در نصیحت لحاظ نگردیده است. مانند شرط عدم تاثیر.^(۱)

همچنین نصیحت ائمه المسلمین تنها ناظر بر بعد مردم بر دولت در فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد^(۲) و از سویی دیگر بسیاری از مصادیقی که تحت نصیحت ائمه المسلمین مطرح می‌شود در زمره امر به معروف و نهی از منکر قرار نمی‌گیرد. همچنین مراحل مطرح در امر به معروف و نهی از منکر در آن لحاظ نگردیده است. (سروش محلاتی، ۱۳۷۵، ص ۱۳۹-۱۴۱)

۳. تاریخچه

از همان ابتدای حکومت اسلامی در مدینه، حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شخصاً این وظیفه را در عرصه عمومی متقبل شده و مردم را ترغیب به آن می‌کردند. ولی اوج شکوفایی امر به معروف و نهی از منکر را می‌توان دوران زمامداری حضرت امیرالمومنین (علیه‌السلام) شاهد بود به گونه‌ای که هر سه حوزه از این فریضه - مردم بر

۱. در خصوص شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر در ادامه مطالبی ارائه خواهد شد.

۲. توضیح آنکه امر به معروف و نهی از منکر میتواند در بعدهای دیگر امر به معروف و نهی از منکر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به مردم نیز مطرح گردد.

مردم، دولت بر مردم، مردم بر دولت - همگام با یکدیگر رشد و نمو پیدا می نمود. اما همزمان با به قدرت رسیدن بنی امیه و بنی عباس و حکمرانی اقتدارگرایانه این دو خاندان بر جامعه اسلامی، مهمترین حوزه عملکردی این فریضه که همانا امر به معروف و نهی از منکر زمامداران است، به فراموشی سپرده شد و کوشیدند این فریضه را به حوزه حکومتی آن، که همان نهاد حسبه بود، فرو کاسته و اهمیتی در دیگر گستره های این فریضه نداشتند و گاهی حتی با شدت عمل از آن جلوگیری می شد همانطور که در دوره زمامداری مامون عباسی وی امر به معروف و نهی از منکر را ممنوع کرده و مردم را از ارتکاب آن بر حذر می داشت و آن را وظیفه حکومت می دانست (کوک، ۱۳۸۴، ص ۵۴۶) وی تلاش داشت تا گستره این فریضه را به نهاد حسبه بکاهد و مقوله ای را که به عنوان ابزاری برای کنترل قدرت در اسلام تعبیه شده بود به ابزاری در اختیار زمامداران و دستاویزی برای سرکوب مخالفان تبدیل کند و این امور سرآغاز انحراف این فریضه از مسیر اصلی خود بود. لذا نهاد حسبه را که عهده دار تنها بخشی از این فریضه بود به تمام این فریضه مبدل شد و علماء اهل سنت در نوشته های فقهی خود، حسبه را همان امر به معروف و نهی از منکر دانستند (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵، ص ۲۳۴ و ۲۳۵) در ادامه، این پندار در میان علمای شیعه نیز نفوذ یافت (فیض کاشانی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۴۷) تاریخ پژوهان تشکیل نهاد حسبه را به صورت یک تشکیلات سازمان یافته به زمان خلیفه سوم عباسی نسبت می دهند (رضایی راد، ۱۳۸۴، ص ۵۰)

۳-۱ امر به معروف و نهی از منکر در فقه اهل سنت

در میان اهل سنت ابوحنیفه به عنوان شاخص اصحاب رای در اثر خود تحت عنوان الفقه الاکبر به این فریضه پرداخته و تاکید بسیاری بر آن داشته است و آن را به عنوان یکی از شعارهای اصلی مذهب بیان می کند، اما در ادامه پس از وی با متحول شدن مواضع سیاسی حنفیان در شروحي که بر اثر وی نگاشته شد این فریضه را بسیار فرو کاسته و حتی بیان می دارند: «جور جائز و عدل عادل به شما نفع و زیانی نمی رساند و هر چیزی اجر و وزر خود را دارد»، و بیان شد که این فریضه از مردم برداشته شده است. به طور کلی می توان رویکرد اهل تسنن به این فریضه را این گونه بیان داشت که به طور مشترک تمامی مذاهب اهل سنت اعمال این فریضه در مورد

حکام را یا قبول نکرده و یا عرصه آن را بسیار محدود انگاشته‌اند و در روابط مردم با مردم نیز محدودیت‌هایی لحاظ کرده‌اند و تنها در عرصه امور حکومتی و عمومی است که عرصه وسیعی را برای حکومت‌ها در نظر گرفته و حتی نهادی را تحت عنوان نهاد حاسبه پیش‌بینی کرده‌اند که به روابط دولت با مردم پرداخته است و از سویی ورود به عرصه روابط فردی می‌کند (ماوردی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۷)

اما در مقابل در میان آنان اندیشمندانی هستند که نگاهی نو به این اصل داشته‌اند که می‌توان به محمد غزالی در احیاء علوم الدین اشاره کرد. غزالی این اصل را به سان جلوه‌ای از احکام شرعی در متعادل کردن زندگی دنیوی می‌داند. همچنین محمد عبده از دیگر اندیشانی است که تلاش در احیاء این فریضه در جامعه اسلامی اهل تسنن دارد و بیان می‌کند که احیاء این فریضه توسط امت اسلامی مبتنی بر وجود حکومت عادل اسلامی است (رشیدرضا؛ بی تا، ج ۴، ص ۲۶-۵۰)

۲-۳ امر به معروف و نهی از منکر در جهان تشیع

در جهان تشیع نیز با اهمیت یافتن حوزه فقهی بغداد، برخوردهای متفاوتی با مقوله امر به معروف و نهی از منکر به چشم می‌خورد. این برخوردها غالباً پیوستگی ناگسستگی با دیدگاه فقها در حوزه سیاست دارد. به گونه‌ای که مرحوم شیخ مفید با توجه به مقتضیات عصر غیبت این فریضه را با مقوله‌ای حکومتی، مانند حدود کنار یکدیگر قرار می‌دهد. ولی در نهایت ایشان این فریضه را تکلیفی فردی برمی‌شمارند (مفید، ۱۴۰۴ق، ص ۸۰۸) در مقابل فقیه هم عصر وی، سید مرتضی در رساله‌ای همکاری با حکام را در راستای تحقق امر به معروف و نهی از منکر امری لازم دانسته، لذا به نظر می‌رسد ایشان این فریضه را تکلیفی فردی نمی‌دانند (سیدمرتضی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۸۹ به بعد) اما در عصر صفویه با باز شدن باب حکومت برای شیعیان و نیاز به مباحث اجتماعی فقه، تک نگاری‌هایی به چشم می‌خورد که می‌توان به کتاب مرحوم محقق کرکی اشاره کرد. در دوران بعد نیز عالمانی چون شهید ثانی و مرحوم صاحب جواهر به این امر پرداخته و بیان داشته‌اند که استقرار یک نظام سیاسی که در آن بتوان همه شئون حق و عدل را اقامه کرد از باب امر به معروف و نهی از منکر است و این علت موجهه باید به عنوان علت مبقیه نیز باقی باشد (نجفی، ۱۳۷۳ش، ج ۱۱، ص ۱۵۲) با پیروزی انقلاب اسلامی و نقش مردم در تحقق آن و تأکیدات امام

خمینی(ره) بر حرکت جامعه به سوی اهداف تعالی طلبانه و توحیدی خود، فتح بابی برای بررسی بیشتر این اصل و دیگر اصول اسلامی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه به وجود آمد.

۴. مبانی فقهی - حقوقی امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم اسلام است که ادله اربعه (کتاب، سنت، عقل، اجماع) بر آن دلالت دارد.^(۱)

۴-۱ مبانی فقهی

۴-۱-۱ لزوم جلوگیری از معصیت:

یکی از احکام مسلم عقلی آن است که باید از معصیت نسبت به شارع و تخلف از دستورات و اوامر او جلوگیری کرد. علت آن نیز وقوع عملی است که مورد نفرت و بغض شارع می باشد؛ به گونه ای که نه تنها مرتکب منکر و تارک معروف را مستحق عقاب قرار می دهد بلکه افرادی که این امر و نهی را ترک می کنند را نیز مستحق عقاب برمی شمارد. در نتیجه عقل، مکلف را بر اقامه امر و نهی ملزم میکند. (امام خمینی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۰۴)

۴-۱-۲ مسئولیت اجتماعی:

انسان مسلمان همواره در قبال دیگر هم کیشان خود و همچنین جامعه اسلامی مسئول است و ولایتی عرضی که مسلمانان نسبت به یکدیگر دارند و ولایت طولی که خداوند بر آدمی دارد مستلزم چنین تکلیفی می باشد، به گونه ای که بی تفاوتی وی

۱. عده ای از فقها این فریضه را دارای وجوبی نقلی دانسته اند به این معنا که وجوب این فریضه از آیات و روایات ادراک می شود. در نقطه مقابل عده ای دیگر این فریضه را مدرک عقل دانسته و آیات و روایات مشعر به وجوب را، حمل بر ارشاد به حکم عقل دانسته اند (طوسی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۷) اما به نظر می رسد در بین آرای یاد شده می توان نظری را ترجیح داد که سند وجوب این فریضه را عقل و نقل می داند؛ یعنی اگر دلیل نقلی بر وجوب این فریضه نبود عقل آن را می فهمید و اگر عقل آن را ادراک نمی کرد از دلیل نقلی حکم به وجوب این فریضه استدراک می شد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۵، ص ۲۵۷) برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به کتاب آیت الله محسن خرازی تحت عنوان الامر بالمعروف والنهی عن المنکر.

نسبت به انحراف دیگران، وی را مستحق عقاب الهی قرار می دهد و امر به معروف و نهی از منکر رهایی بخش جامعه اسلامی از این انحرافات است. (اراکي، تقریرات درس خارج فقه نظام سیاسی، ۲۵ و ۹۲/۲/۲۴)

۴-۱-۳ قاعده لطف

امر به معروف و نهی از منکر موجب گسترش نیکی ها و برون رفت جامعه از بدی ها می شود و عمل به این فریضه موجب قرب به ذات ایزد متعال و ترک آن راهگشای آدمی به سوی تاریکی است. از سوی دیگر بیان هر آنچه انسان را به قرب الهی نزدیک و وی را دور از قهر او کند، از باب لطف بر ذات اقدس الهی لازم است. در نتیجه لطف الهی اقتضا می کند که انسان ها را از منکرها و داشته و آنها را به معروف ها تکلیف نماید تا در پرتو این تکلیف، انسان ها بهتر در مسیر رشد و سعادت قرار گیرند.^(۱)

۴-۱-۴ حرمت اعانه بر اثم و تجاوز

مرحوم علامه در تفسیر شریف المیزان تعاون بر اثم را عمل بدی بیان داشته که موجب تاخیر و یا عدم وصول بشر به زندگی سعادت مند می شود و اعانه بر عدوان را همانا تجاوز به حقوق مردم می داند که موجب سلب امنیت و آرامش از جان و مال و آبروی مردم می شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۱۶۳) اعانه بر دو قسم رفتاری و گفتاری قابل تقسیم است: اعانه رفتاری، اعم از انجام عمل و ترک آن است و اعانه گفتاری نیز اعم از گفتار و سکوت است؛ زیرا همان گونه که عمل و گفتاری اعانه است هر ترک عمل و سکوتی نیز می تواند اعانه باشد. بنابراین سکوت در مقابل منکر، خود اعانه بر منکر است. لذا بر هر مکلفی واجب است تا در مقابل منکر سکوت نکرده و امر به معروف و نهی از منکر کند.

۱. استدلال بر این قاعده اولین بار توسط شیخ طوسی مطرح شد، (طوسی، ۱۳۷۵ق، ص ۱۴۷) و در مقابل نیز عده ای از قائلین به نقلی بودن این فریضه اشکالاتی را مطرح نمودند (نراقی، ۱۴۱۷ق، ص ۷۰۵-۷۱۰) عده ای نیز در مقام پاسخ به آن اشکالات برآمدند که از جمله می توان به فاضل مقداد (کنز العرفان؛ ج ۱، ص ۴۷۱)؛ عاملی (شهید ثانی)؛ (الروضة البهیة؛ ج ۲، ص ۴۰۹) امام خمینی؛ (تحریر الوسيلة؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۲، ص ۲۸۷)، اشاره کرد.

۴-۲ مبانی حقوقی

۴-۲-۱ حق برآمده از انتخاب کارگزاران:

مردم در راستای تعیین سرنوشت سیاسی خود و همچنین سر و سامان دادن به امور اجتماعی و حل معضلات اجتماعی، اقدام به انتخاب کارگزارانی به عنوان نمایندگان خود می‌کنند که این امر ناگزیر منجر به محدود شدن آزادی مردم در عرصه‌های مختلف می‌شود. همین واگذاری اختیارات برای مردم ایجاد حقوقی می‌کند که یکی از این حقوق حق نظارت مردم بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی است. نتیجه عقلانی نظارت، ایجاد حق امر و نهی برای مردم در صورت تخلف کارگزاران حکومتی از وظایف محوله است که این امر به وسیله فریضه امر به معروف و نهی از منکر تجلی می‌یابد. به عبارت ساده‌تر می‌توان گفت: انتخاب کارگزاران نظارت مردم و امر و نهی آنان را در پی خواهد داشت. (اسماعیلی، ۱۳۸۴، ص ۳۷)

۴-۲-۲ حق طبیعی بشر بر بهره‌مندی از محیط سالم زندگی

حق انسان بر زندگی در محیط اجتماعی سالم یکی از حقوق بنیادین انسان است. این حق نیز بر خواسته از حق انسان در طی طریق به سوی کمال مطلق بوده که جامعه سالم یکی از عوامل مهم دسترسی به آن می‌باشد چراکه بدون شک جامعه در زندگی هر انسانی دارای تاثیرات مثبت یا منفی خواهد بود. بنابراین هر یک از اعضای جامعه در راستای بهره‌مندی از این حق طبیعی خود قادر است اقدام به اصلاح جامعه پیرامونی خود و اظهار نظر در خصوص عملکرد سایر افراد جامعه کند که یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اصلاح جامعه، امر به معروف و نهی از منکر خواهد بود. بنابراین حق رشد انسان در محیطی سالم و تاثیر متقابل انسان و جامعه از یکدیگر این حق را برای افراد جامعه ایجاد می‌کند که با مداخله در امور دیگران جلوی انحطاط جامعه را بگیرد و از این طریق از حقوق خود دفاع کرده باشد. همین امر منجر به آن می‌شود که فرد خطا کار را ملزم بدانیم در راستای بازشناسی حقوق دیگر افراد جامعه در مقابل اوامر و نواهی سازنده‌ی دیگران تمکین کرده و سر به اطاعت فرود آورد. چراکه در مقام تراحم

حقوق این دو دسته از افراد جامعه یقیناً حقی که مصلحت کلی جامعه را تامین می کند، مقدم خواهد بود. (یادداشت شهید مطهری، ج ۷، ص ۷۶)

۴-۲-۳ حفظ مصلحت جامعه^(۱)

رعایت مصلحت جامعه که در سپهر فراهم سازی محیط سالم اجتماعی از مفاصد و تباهی ایجاد می شود، بر آحاد جامعه امری واجب است. از سوی دیگر امکان خطا در تمامی انسان ها به طور عام و برای کارگزاران حکومتی به نحو خاص وجود دارد. خطاها و لغزش ها منجر به ایجاد محیطی ناامن برای محافظت از ارزش های انسانی است که سبب اضمحلال مصالح جامعه می شود. امر به معروف و نهی از منکر یکی از ابزارهایی است که می تواند این لغزش ها و خطاها را کاهش دهد و متعاقب آن مصلحت جامعه بیش از پیش محقق شود و نیازهای اجتماعی افراد جامعه در پرتو آن بیشتر تامین گردد که این امر خود منجر به استحکام روابط اجتماعی و در نتیجه تامین بیشتر مصالح جامعه شود. (اراکي، تقریرات درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام، ۹۱/۷/۳۰)

۴-۳ مراحل امر به معروف و نهی از منکر

در راستای امتثال امر الهی در مورد وجوب امر به معروف و نهی از منکر فقها در کتب فقهی خود، در انجام این واجب مراحل را مد نظر قرار داده اند؛ مقصود از مراحل این است که مکلف در انجام این تکلیف الهی باید از عمل ملایم تر به سوی شدت عمل پیش رود. در انجام این فریضه باید ترتب این مراحل مورد توجه قرار گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸)

۱. مصلحت جامعه از مقولاتی است که در صورت عدم تامین آن، زندگی اجتماعی انسان به خطر افتاده و نظام اجتماعی از هم گسسته می شود. مانند نبود حکومت که منجر به هرج و مرج و یکه تازی زیاده خواهانی می شود که تمامی امکانات را برای خود می خواهند. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به تقریرات درس خارج فقه نظام سیاسی اسلام، آیت الله اراکی ۹۱/۷/۲۹. همچنین بنگرید به (منتظری، الدراسات، ج ۲، ص ۲۱۴؛ شهید بهشتی، بایدها و نبایدها، ص ۱۷۸)

۴-۳-۱ مرحله اول: امر به معروف و نهی از منکر قلبی

قال علی^{علیه السلام} «پایین ترین مرتبه نهی از منکر این است که با اهل معاصی با چهره در هم کشیده مواجه شوید» (حر عاملی، ۱۳۷۳ش، ج ۱۱، ص ۴۱۳)

امر به معروف و نهی از منکر قلبی آن است که انسان مومن با دیدن این که کار خوبی توسط دیگران انجام می شود در دل خود خوشحال شده و سرور و رضایت وی در چهره اش نمایان می شود و نیز با مشاهده کار ناروایی، در درون خود اندوهگین می گردد و ناراحتی و نفرت در چهره او، خود را نشان می دهد. در این مرحله باید توجه داشت که اظهار شادی و نفرت باید به گونه ای باشد که فرد متخلف را به عمل خود آگاه گرداند (حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۹۹۳)

۴-۳-۲ مرحله دوم: امر به معروف و نهی از منکر لسانی

در این مرحله که پس از بی ثمر بودن مرحله اول واجب می شود فرد مکلف با گفتن جمله ای، مخاطب خود را به کار خوبی تشویق و به آن وادار می کند و یا با گفتن جمله ای او را از کاری نادرست باز می دارد.

در انجام امر به معروف و نهی از منکر باید شأن طرف مقابل و موضوعی که مورد امر و نهی قرار گرفته است مورد توجه قرار گیرد؛ چه بسا تذکر لسانی با نرمی به فردی بسیار خوشایندتر و موثرتر از اخم یا روی برگرداندن از وی باشد (امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۷۸)

۴-۳-۳ مرحله سوم: امر به معروف و نهی از منکر عملی

این مرحله زمانی به کار می آید که دو مرحله قبلی مثمر ثمر نباشد و فرد خطا کار بر عمل خود اصرار نماید. اینجاست که فرد را وارد در مرحله عملی (یدی) می کند که ملازم با اعمال قدرت است. برخی از علما ورود به این مرحله را منوط به کسب اجازه از امام (علیه السلام)، نایب وی یا فقهاء جامع الشرایط دانسته اند. ولی به طور کلی نمی توان اتفاقی در این باره میان فقها یافت، هر چند در مرتبه نهایی که همانا قتل فرد خطا کار است به نظر می رسد به غیر از سید مرتضی که این امر را منوط به اذن

امام (علیه السلام) نمی داند سایر فقها این مرتبه را مترتب بر اذن امام (علیه السلام) دانسته اند مگر اینکه از باب دفاع مشروع باشد (همان، ص ۴۸۱)

۴-۴ امر به معروف و نهی از منکر حق یا تکلیف

از دیدگاه اسلام، این موضوع صرفاً یک حق تلقی نمی شود، بلکه یک وظیفه همگانی است. بر این اساس هیچ مکلفی نمی تواند از اعمال این فریضه انصراف دهد و خود را بری از آن بداند. البته باید توجه داشت که در امر به معروف و نهی از منکر، هر دو جنبه حق بودن و وظیفه بودن لحاظ شده است. در توضیح این مطلب باید گفت: امر به معروف و نهی از منکر حق است به این معنا که اگر مسلمانی نسبت به مسلمان دیگر و یا نسبت به حکومت اسلامی این کار را انجام دهد، طرف مقابل نمی تواند به او اعتراض کند و این کار او را دخالت در امور خود تلقی کند، چرا که چنین حقی را خداوند متعال به صراحت برای مسلمانان نسبت به یکدیگر در نظر گرفته است، آنجا که در آیه ۷۱ سوره توبه می فرماید: مردان و زنان باایمان، ولیّ (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می کنند.^(۱) تعبیر به اولیاء، نشان دهنده حق و یا اختیاری است که مسلمانان برای امر به معروف و نهی از منکر نسبت به یکدیگر دارند، از آنجا که این حق را خداوند به آنان داده است، توسط هیچ کس قابل سلب نمی باشد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص: ۱۰۴)

از سوی دیگر امر به معروف و نهی از منکر تکلیف است، به این معنا که انجام آن یک وظیفه دینی تلقی می شود و ترک آن از نظر شرعی حرام و معصیت است. (منتظری، ۱۴۰۹، ج ۲، ۳۹۶)

۴-۵ امر به معروف و نهی از منکر واجب عینی یا کفایی

در وجوب عینی یا کفایی امر به معروف و نهی از منکر در میان فقها اختلاف است عده ای تاکید بر کفایی بودن این فریضه دارند و در مقابل جمعی دیگر از آنان قائل به

۱. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»

عینی بودن این فریضه می‌باشند (نجفی، ۱۳۷۳ق، ج ۲۱، ص ۲۵۹) با فحص و مذاقه در ادله قائلین دو نظریه فوق در می‌یابیم، کفایی بودن این فریضه از سویی قائلین بیشتری دارد و از سوی دیگر دلایل آنان با آیات قرآن هم خوانی بیشتری دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳، ص ۳۷۲) امام خمینی (ره) نیز از فقهای معاصری است که این فریضه را کفایی می‌داند ولی با توجه در سیره عملی ایشان و فتوای ایشان مبنی بر لزوم اجتماع و فعالیت گروهی برای احیای امر به معروف و نهی از منکر (خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۶۴)، به نظر می‌رسد ایشان از تعریف واجب کفایی مفهومی گسترده را لحاظ کرده باشند، به گونه‌ای که تا زمانی که منکر ریشه کن نشده و معروف در جامعه نهادینه نشده است بر هر مکلفی واجب است تا اقدام به این فریضه کند. این در حالی است که طبق تعریف مصطلح از واجب کفایی^(۱) همین که عده‌ای بر انجام واجب قیام کردند و ظن غالب بر تاثیر ایجاد شد تکلیف از دیگر مکلفین رفع می‌شود ولی طبق مفهومی که حضرت امام (ره) از واجب کفایی ارائه داده‌اند تا انجام قطعی تکلیف و به وجود آمدن آثار مترتب از آن، تکلیف همواره لزوم خود را از دست نمی‌دهد (ملکوتی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۶)

۴-۶ شرایط امر به معروف و نهی از منکر

فقها در راستای وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر این نظرند که آمر و ناهی باید بر منکرات و معروفات آگاهی داشته باشند. همچنین باید در اعمال این فریضه، احتمال تاثیر در نهی و امر شونده وجود داشته باشد. علاوه بر این فرد خطا کار باید بر عمل خطای خود اصرار و استمرار داشته باشد. در نهایت اقدام به این فریضه نباید برای آمر و یا ناهی توأم با مفسده یا ضرری باشد و اگر این شرایط محقق نشد، وجوب ساقط می‌شود. (توضیح المسائل آیت الله نوری همدانی، مسئله ۲۷۸۹؛ امام

۱. در تعریف مصطلح واجب کفایی گفته شده است: واجبی که با عمل عده‌ای از مکلفین از عهده دیگران ساقط است، مانند تطهیر مسجد، تدفین میت و واجب عینی به واجبی که همه مکلفین باید انجام دهند، تعریف شده است مانند نمازهای یومیه. همانطور که مشاهده می‌شود.

خمینی، بی تا، ج ۱، ص ۴۰۰ - ۴۰۶)

در حوزه شرایط این فریضه دو نظر وجود دارد: عده‌ای بر این نظرند که امر به معروف و نهی از منکر در صورت فقدان این شرایط از عهده مکلف خارج است و مکلف دیگر در تحصیل این شرایط برای انجام این فریضه وظیفه‌ای بر عهده ندارد و مانند استطاعت برای حج است که زمانی که استطاعت خود به خود ایجاد شد فرد مکلف است به حج رود (این شرایط برای واجب «شرط وجوب» است) (نجفی، ۱۳۷۳ش، ج ۲۱، ص ۳۶۶؛ امام خمینی، بی تا ج ۱، ص ۴۰۰) ولی عده‌ای دیگر بر این نظرند که مکلف در صورتی که این شرایط را ندارد باید به دنبال کسب این شرایط رود و شرایط برای این فریضه مانند وضو برای نماز است که مکلف باید آن را برای انجام نماز تحقق بخشد. (که در این صورت این شرایط «شرط واجب» است) (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۰۷)

۵. امر به معروف و نهی از منکر در نظام حقوقی ایران

قانون اساسی محتوای حکومت را اسلام دانسته و در همین راستا اصل چهارم قانون اساسی، قوانین را مبتنی بر شرع بیان می‌کند؛ بنابراین محتوای حکومت ایران چیزی جز اسلام و احکام آن نیست (ارسطا، ۱۳۸۹ش، ص ۴۷۸-۴۸۵) لذا امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یکی از مهم‌ترین فرائض اجتماعی اسلام و امری که قوام دیگر فرائض بر آن مبتنی شده است به عنوان یکی از فرائض مهم و مسلم جامعه اسلامی شناخته می‌شود.

در همین راستا موسسان و قانونگذاران نظام جمهوری اسلامی ایران با التفات به جایگاه والای این واجب الهی و نقش بنیادینی که در ساختار نظام اسلامی می‌تواند برعهده داشته باشد، این فریضه را در قوانین کلان نظام اسلامی مورد پیش‌بینی قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که بند یک اصل سوم قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف می‌کند تا همه امکانات خود را برای ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل

اخلاقی بر اساس ایمان، تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی به کار گیرد. البته شاه بیت اصول قانون اساسی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر را باید اصل هشتم قانون اساسی دانست. در این اصل چنین آمده است: «در جمهوری اسلامی ایران دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند "و المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر"»

همچنین در سند چشم‌انداز، جامعه ایرانی در افق سال ۱۴۰۴ جامعه‌ای است مبتنی بر: «... اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی،... و به دور از فقر، فساد،... فعال، مسئولیت پذیر...»

امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار نظام اسلامی همواره توجه ویژه‌ای به این فریضه داشته‌اند. ایشان در سخنرانی که در دهم اسفند سال ۱۳۵۷ ایراد فرمودند، بیان می‌کنند: «ما با دایره امر به معروف و نهی از منکر که یک وزارتخانه مستقل بدون پیوستگی به دولت، یا یک چنین وزارتخانه‌ای که تاسیس خواهد شد، مبارزه با فساد می‌کنیم...» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۲۷۴)

ایشان در سال ۱۳۵۸ به شورای انقلاب ضمن پیمایی، به شکل مبسوط، تشکیل یک اداره مستقل از دولت را که دارای شعبی در کل کشور بوده و ناظر بر تمامی اعمال دولت اسلامی و تمام اقشار مردم می‌باشد را خواستار می‌شود.^(۱) هر چند این پیام به مرحله اجرا نرسید، اما می‌توان آن را عامل موثری در تاسیس اصل هشتم قانون اساسی دانست؛ آنجا که این اصل بدون ذکر در پیش‌نویس، در مجلس نهایی بررسی قانون اساسی مطرح و به تصویب نهایی رسید.

۱. همان، ج ۹، ص ۲۱۳. مرحوم حاج احمد آقا در سال ۷۲ بیان می‌دارند: این پیام به محض انتشار با مخالفت شورا مواجه شد و خواهان تجدید نظر ایشان شدند و امام برخلاف میل خود به علت خواست آنان صرف نظر کردند. به نظر می‌رسد با حاکم بودن جو انقلابی آن سال‌ها به راحتی امکان نهادینه شدن این فریضه وجود داشت.

در سال ۱۳۷۲ مقام معظم رهبری در راستای اجرای نمودن اصل هشتم قانون اساسی، فرمان تاسیس ستادی تحت عنوان «ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر» را صادر می‌فرماید. این ستاد به تدریج در سراسر کشور گسترش یافت و در بعضی ادارات و نهادها و نیروی مقاومت بسیج تشکیلاتی در همین راستا در نظر گرفته شد.

در سال ۱۳۸۳ در قوه قضاییه آیین‌نامه‌ای تحت عنوان «آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی» به تصویب رسید که بر طبق آن «ستاد حفاظت اجتماعی» در قوه قضاییه ایجاد شد. عمده وظیفه این ستاد در حوزه امر به معروف و پیشگیری از جرم از طرق قانونی و اصلاح جامعه بیان شده است (آیین‌نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، ماده ۱)

در سال ۱۳۸۴ مصوبه‌ای تحت عنوان «راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب» توسط شورای فرهنگ عمومی، که از شوراهای وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد، تهیه شد و به تصویب نهایی شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید که مصوبه‌ای جامع بوده و وظایف تمام نهادها و دستگاه‌های اجرایی مرتبط با این فریضه را به دقت بیان نموده است ولی به مرحله اجرا درنیامد.

در سال ۱۳۸۹ طرحی تحت عنوان «طرح امر به معروف و نهی از منکر» توسط تعداد قابل توجهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به مجلس ارائه شد که شاید بتوان آن را آخرین تلاش‌ها در حوزه قانونگذاری در این حوزه دانست. هم اکنون نیز کمیسیون فرهنگی مجلس در این حوزه فعال است.

به نظر می‌رسد آنچه منجر به ثمر نرسیدن این فریضه می‌شود عدم اهتمام مناسب مردم و کارگزاران حکومت اسلامی به احیاء این فریضه است. از سویی دیگر نیاز به یک تشکیلاتی که بتواند جامع و هماهنگ کننده تمام دستگاه‌های فعال در این حوزه باشد، احساس می‌شود. زیرا به نظر می‌رسد احیاء این فریضه در درجه اول نیاز به اهتمام مسئولین و در درجه دوم، وحدت فرماندهی و تمرکز فعالیت‌ها در یک تشکلات منسجم، مستقل و متخصص دارد تا تمام عملکردهای فرهنگی و... در این

حوزه تحت نظر این تشکیلات سامان دهی شود.

تحلیل و جمع بندی

امر به معروف و نهی از منکر حق و تکلیفی است کفایی که شرع مقدس در راستای اصلاح جامعه اسلامی و به عنوان یکی از مهم ترین فرایض و ابزارهای حقوقی فقه سیاسی در جهت نظارت اسلامی، بر تمامی آحاد مسلمانان واجب شمرده است. مقولاتی چون قاعده لطف، حفظ مصلحت جامعه اسلامی، وجوب ترک معصیت و... را می توان از مبانی به معنای علت وجوب آن دانست. این فریضه در حوزه حقوق اساسی رابطه بسیار تنگاتنگی با مقولاتی چون آزادی های عمومی، حریم خصوصی و آزادی اطلاعات دارد، به گونه ای که این مقولات بستر ساز و هموار کننده مسیر عملیاتی شدن این فریضه می باشد.

در نظام حقوقی ایران اصل هشتم قانون اساسی به عنوان مهم ترین مفاد قانونی در این حوزه مطرح بوده و در راستای این اصل قوانین و آیین نامه های متعددی وضع شده است، این در حالی است که تعدد قوانین و دستگاه های اجرایی در حوزه امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مفید نبوده بلکه موجب تحیر و جزیره ای عمل کردن به این فریضه شده است. لذا به نظر می رسد ایجاد تشکیلاتی واحد که هماهنگ کننده نهادها و ستادها و مقررات مربوط به این فریضه است، امری لازم و اجتناب ناپذیر می باشد.

منابعی جهت مطالعه بیشتر

کتابها

خمینی، روح الله؛ امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه امام خمینی (ره)؛ استخراج و تنظیم موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (معاونت پژوهشی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷.

کوک، مایکل آلن؛ امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی؛ ترجمه احمد نمایی؛ ج ۱، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۴.

مطهری، مرتضی؛ ده گفتار؛ ج ۶، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.

نوری، حسین؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمه محمد محمدی اشتهااردی؛ ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

ملکوتی، مسلم؛ الامن العام فی الاسلام و النظارة العامة للعموم علی العموم؛ تبریز: انتشارات شفق، ۱۳۶۲.

خرازی، محسن؛ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.

مقالات

جوان آراسته، حسین؛ «منابع شناخت معروف و منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۵۸، زمستان ۱۳۸۹.

جوان آراسته، حسین؛ «نگاهی دیگر به امر به معروف و نهی از منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۹۱.

حسینی، سید مرتضی؛ «تحقق امر به معروف و نهی از منکر در فرایند نظارت مردم بردولت»؛ ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان قزوین، مجموعه مقالات همایش دکتربین اصل هشتم قانون اساسی، قزوین: ناشر اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان قزوین، ۱۳۷۸.

خرازی، محسن؛ «دلایل عقلی و نقلی امر به معروف و نهی از منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی؛ شماره ۳۳، ۱۳۸۳.

رجبی، محسن؛ «تاملی در امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی (نقد و معرفی کتاب)»؛ مجله آینه پژوهش، ۱۳۸۵.

سروش محلاتی، محمد؛ «مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۱.

عمید زنجانی، عباسعلی، لطفعلی عنایتی؛ «الگوی امنیت در جامعه اسلامی و سازوکار امر به معروف و نهی از منکر»؛ ماهنامه نگرش راهبردی، شماره ۷۹ و ۸۰، ۱۳۸۵.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

قرآن کریم

نهج البلاغه

- اراکي، محسن؛ تقریرات در خارج فقه نظام سیاسی اسلام، ۱۳۹۰-۱۳۹۱.
- ارسطا، محمد جواد؛ نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران؛ ج ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۹.
- اسماعیلی، محسن؛ مشارکت عمومی، حاکمیت ملی و نظارت همگانی در فقه سیاسی و حقوق سیاسی؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.
- حداد عادل و همکاران؛ دانشنامه جهان اسلام؛ تهران: بنیاد دایرة المعارف اسلامی، ۱۳۷۵.
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی؛ فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)؛ ۳جلدی، ج ۱، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)؛ ۱۴۲۶ق.
- جوادى آملى، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ تحقیق و تنظیم عبدالکریم عابدینی؛ ج ۱۵، قم: انتشارات اسراء، ۱۳۸۷.
- خرازی، محسن؛ «دلایل عقلی و نقلی امر به معروف و نهی از منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۳، ۱۳۸۳.
- خمینی، روح الله؛ صحیفه نور؛ ج ۶، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸.
- خمینی، روح الله؛ تحریرالوسیله؛ ترجمه علی اسلامی؛ ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.
- رضایی راد، عبدالحسین؛ امر به معروف و نهی از منکر در ترازوی تاریخ؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
- سروش محلاتی، محمد؛ «مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۲۴، ۱۳۸۱.

سروش محلاتی، محمد؛ «نصیحت ائمه مسلمین»؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۱، پاییز ۱۳۷۵.

عمید زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی؛ ج ۴، ۱، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ق.
فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله سیوری حلی؛ کنز العرفان فی فقه القرآن؛ ترجمه عبدالرحیم عقیقی بخشایشی؛ ج ۱، ۱، قم: انتشارات نوید اسلام، ۱۳۸۴.
قرائی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

قریشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
کوک، مایکل آلن؛ امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی؛ ترجمه احمد نمایی؛ ج ۱، ۲، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۴.
مطهری، مرتضی؛ حماسه حسینی؛ ج ۱، ۴۱، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.
ملکوتی، مسلم؛ بررسی فقهی امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمه دلاور برادران؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۲.
نوری، حسین؛ امر به معروف و نهی از منکر؛ ترجمه محمد محمدی اشتهاردی؛ ج ۳، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

منابع عربی

آخوند خراسانی؛ کفایه الاصول؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ق.

ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا؛ ترتیب مقایس اللغه؛ ترتیب و تنقیح علی عسکری و حیدر مسجدی؛ قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
حراعلی، محمد بن الحسین؛ وسائل الشیعه؛ ج ۶ و ۱۱، تهران: انتشارات المکتبه الاسلامیه، ۲۰جلدی، ۱۳۷۳.

حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب؛ ج ۲، تحقیق بخش فقه در جامعه پژوهش های اسلامی؛ ج ۱، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.

خرازی، محسن؛ الامر بالمعروف و النهی عن المنکر؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.

خمینی، روح الله؛ تحریر الوسیله؛ ج ۱، ج ۱، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم، بی تا.
خمینی، روح الله؛ المکاسب المحرمه؛ ۲ جلدی، ج ۱، ج ۱، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۴۱۵ق.

دروازه، محمد عزت؛ التفسیر الحدیث؛ قاهره: دار احیاء الکتب العربیه، ۱۳۸۳ق.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ مصحح صفوان عدنان داودی، ۱ جلدی، ج ۱، لبنان، سوریه: دار العلم، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
رضا، محمد رشید؛ تفسیر المنار؛ ج ۴، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
سعدی، ابوجیب؛ القاموس الفقہی لغۀ و اصطلاحات؛ ۱ جلدی، ج ۲، دمشق: انتشارات دارالفکر، ۱۴۰۸ق.

سیدمرتضی، علی؛ مساله فی العمل مع السلطان مذکور در رسائل الشریف المرتضی؛ به کوشش احمد حسینی، ج ۲، قم: ۱۴۰۵.
صادقی تهرانی، محمد؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن؛ قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵.

طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیرالقرآن؛ ج ۵، قم: دفترانتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن؛ النهایه فی مجرد الفقہ و الفتاوی؛ ج ۲، بیروت: دار الکتب العربی، ۱۴۰۰.

طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن؛ الاقتصاد الهادی إلى طریق الرشاد؛ ج ۱، بی جا، انتشارات کتابخانه، ۱۳۷۵ق.

عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)؛ الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة؛ ۱۰ جلدی، ج ۱، ج ۲، قم: کتابفروشی داورى، ۱۴۱۰ق.
عبدالمنعم، محمودعبدالرحمان؛ معجم المصطلحات و الألفاظ الفقہیة؛ ج ۱، قاهره: انتشارات دارالفضیلة، ۱۴۱۹ق.

فیض کاشانی، محمد محسن؛ مفاتیح الشرائع، مجمع الذخائر الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
ماوردی، علی؛ احکام السلطانیة؛ به کوشش خالد عبداللطیف السبع العلمی؛ بیروت: ۱۴۱۰ق.

مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)؛

ج ۴۴، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.

مفید، محمد بن محمد؛ الجوامع الفقہیہ لجماعہ من الارکان وعدہ من الاعیان مع کتاب المقنعہ؛ قم: مکتبہ آیہ اللہ المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

منتظری حسین علی، مبانی فقہی حکومت اسلامی، ترجمہ محمود صلواتی و ابو الفضل شکوری، مؤسسہ کیهان، ۱۴۰۹.

منتظری، حسینعلی؛ دراسات فی ولایۃ الفقیہ و فقہ الدولۃ الإسلامیہ؛ چ ۲، قم: نشر تفکر، ۱۴۰۹ق.

نجفی، محمدحسن بن الباقر؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام؛ ج ۱۱ و ۲۱، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، ۱۳۷۳.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی؛ عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام؛ ۱ جلدی، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
قوانین و اسناد

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ج ۱، ۱۳۶۴.

قانون راهکارهای اجرایی گسترش فرهنگ عفاف و حجاب

سند چشم انداز بیست ساله در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی

آیین نامه ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی قوه قضاییه

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و
چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و طایف اسلامی و ملی خود
را ایا و تحت تاثیر هیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و
قانون اساسی بدون هیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام ج ۲۱، ص ۴۲۲)



مرکز تحقیقات شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد
قرنی، کوچه خسرو، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir